



سخن روز

سیل بلوچستان، نابودی سرمایه‌های «مولد» در نبود سرمایه‌های «محافظ»

در گذشته، پیشینیان ما در اطراف روستاهای خود بند مستحکم از خاک برای جلوگیری از ورود سیلاب‌های خروشان احتمالی به داخل روستا و تخریب سرمایه‌هایشان، با کمک و همیاری همه اهالی و ساکنان، احداث می‌کردند، که با اسامی مختلفی مانند «بند»، «سیل‌بند» و امثال آن شناخته می‌شد. اگرچه، در داخل روستا، هر فرد برای ساختن و مدیریت خانه و سرپناهنش، محل دام و طیورش، باغ و مزرعه‌اش، کارگاه گلیم و قالی‌بافی و سایر صنایع کوچک محلی‌اش، به صورت منفرد و با هزینه‌های شخصی اقدام می‌کرد و از سرمایه‌گذاری‌های خود، «منتفع شدن» و «تولید محصول» را مدنظر داشت، برای احداث بند یا سیل‌بند، نخست به صورت جمعی و با همکاری همگان و سرمایه عمومی روستا و سپس با هدف محافظت از دارایی‌های خود در برابر یکی از بلایای طبیعی به نام «سیل» اقدام می‌کرد.

به عبارت دیگر، پدران ما آگاهانه با دو نوع سرمایه و سرمایه‌گذاری آشنایی کامل و دقیق داشتند: ۱- سرمایه‌های مولد (Productive Capital)، ۲- سرمایه‌های محافظ (Protective Capital). آنها به خوبی می‌دانستند، تلاش برای احداث باغ، کارگاه صنایع روستایی و پرورش دام و طیور، زمانی می‌تواند به عنوان سرمایه‌های مولد، باعث رونق زندگی آنها شود و آنها را از فقر نجات دهد که قبل از آن، یا حداقل به موازات آن، سرمایه‌هایی را برای حفاظت از آنها، در برابر بلایای طبیعی اختصاص دهند. هزینه‌ها و سرمایه‌های اختصاص داده شده برای احداث «بند» منجر به راه‌اندازی یک سرمایه مولد نخواهد شد، بنابراین، لازم است برای حفاظت و بهره‌برداری بهینه از سرمایه‌های مولد، ابتدا به سرمایه‌گذاری‌های «محافظ» توجه ویژه شود. از آنجایی که امکان سرمایه‌گذاری‌های محافظتی برای تک افراد، به صورت

مجزا ممکن نیست، تنها راه انجام آن، تکیه بر اعتبارات، امکانات و سرمایه‌های عمومی و جمعی است. در سطح کلان و ملی نیز در کنار سرمایه‌گذاری‌های مولد (اعم از زیرساخت‌ها و صنایع مختلف) باید بخشی از اعتبارات عمومی و دولتی را به سرمایه‌گذاری‌های محافظ اختصاص داد. در غیر این صورت، هر لحظه امکان از بین رفتن و تخریب تمامی سرمایه‌های مولد، در اثر سوانح و بلایای غیر مترقبه وجود دارد.

متأسفانه، در بسیاری از نقاط جهان، به ویژه در کشورهای جهان سوم و کمتر توسعه یافته (Less Devel- oped Countries) و نیز در کشورهای در حال توسعه، به دلیل کمبود اعتبارات و منابع مالی کافی، همه سعی و تلاش، بر توسعه سرمایه‌گذاری‌های مولد متمرکز شده است و با توسعه زیرساخت‌های راه‌ها، پل‌ها، راه‌آهن‌ها، فرودگاه‌ها، برق و گاز و سایر حامل‌های انرژی و نیز گسترش صنایع مختلف تولیدی، فکر می‌کنند به توسعه همه‌جانبه و پایدار دست یافته‌اند، در صورتی که همه این سرمایه‌های مولد می‌توانند در اثر سوانح طبیعی و غیر مترقبه از بین بروند، یا آسیب جدی ببینند.

بنابراین، شاید یکی از علل اساسی عدم رشد سریع کشورهای کمتر توسعه یافته، یا در حال توسعه، به ویژه در مناطق محروم این کشورها، تمرکز بر سرمایه‌گذاری‌های «مولد» و بی‌توجهی به سرمایه‌گذاری‌های محافظ باشد. به طوری که پس از چند سال سرمایه‌گذاری، با وقوع یک رخداد طبیعی همه یا بخش‌های مهمی از آن سرمایه‌ها نابود و غیرقابل استفاده می‌شوند. معمولاً میزان خسارت‌های وارده به سرمایه‌های مولد در کشورهای فقیرتر و عقب‌مانده‌تر بیشتر از سایر کشورها و مناطق است. اینجاست که موضوع «تله فقر» (Poverty Trap)، که برخی از دانشمندان علم اقتصاد به آن اشاره کرده‌اند، معنی پیدا می‌کند. تله فقر، در مناطقی حادث می‌شود که با وجود سرمایه‌گذاری‌های مولد، امکان خروج اهالی آن از فقر (به علل



سخن روز

مختلف، از جمله بروز خسارت‌های جدی و عمیق متعدد و متمادی به زیرساخت‌ها و سرمایه‌های مولد در اثر سوانح غیرمترقبه گوناگون) وجود نداشته باشد.

بارندگی‌های بسیار خوب و فراوان منطقه جنوب استان سیستان و بلوچستان، به جای فراهم کردن فرصت‌های مبارک اقلیمی و سیرابی منطقه، پس از چند سال کم‌آبی و استفاده بهینه و حداکثری از این نعمت الهی، متأسفانه تبدیل به بلایی خانمان‌برانداز شد و بسیاری از سرمایه‌گذاری‌های فراوان دولتی و بخش خصوصی را، که در دهه‌های گذشته انجام شده بود، در این منطقه نابود کرد و از بین برد. خانه‌ها، راه‌ها، پل‌ها، تأسیسات برق و آبرسانی، صنایع، دامداری‌ها، باغ‌ها و مزارع و سیستم‌های آبیاری، که با سرمایه‌گذاری‌های کلان مردم، بخش خصوصی و نیز دولت، انجام شده بود، به میزان چشمگیری از بین رفت.

متأسفانه، مردم شریف و درعین حال محروم منطقه بلوچستان نتوانستند شیرینی سرمایه‌گذاری‌های مولد منطقه خود را به نحو احسن و اکمل بچشند. میلیاردها تومان سرمایه مولد، در مدت‌زمان کوتاهی از کف این مردم با غیرت، میهن‌دوست و مرزبان ما رفت. آیا اگر بخشی از این سرمایه به برنامه‌ریزی صحیح، جامع و بلندمدت به «سرمایه‌گذاری‌های محافظ» اختصاص می‌یافت، امروز شاهد خسارت‌ها و صدمات کمتری به منطقه و مردم نبودیم؟

سرمایه‌گذاری‌های محافظ، جملگی در حوزه‌های محیط‌زیست و منابع طبیعی انجام می‌شود. با سرمایه‌گذاری درست و اصولی در حوزه جنگل‌ها، مراتع و بیابان‌های منطقه، با عملیات مکانیکی (آبخیزداری و آبخوان‌داری)، بیومکانیکی (توسعه سطوح آبگیر باران به همراه کاشت درخت و توسعه فضای سبز) و بیولوژیکی (کاشت درخت در مناطق مناسب و ایجاد جنگل‌داری مصنوعی با استفاده از آب‌های سبز) می‌توان به‌خوبی از آب باران استفاده کرد. عملیات یادشده می‌تواند در زمان نزول رحمت الهی و بارش‌های شدید و فراوان، به ما کمک کند تا به‌جای شکل‌گیری سیلاب‌های خروشان و ویران‌کننده، آب باران به‌مرور در خاک منطقه نفوذ کند، یا در مکان‌های مناسبی ذخیره شود و در نهایت به‌عنوان آب سبز در سطح زمین، یا در سدهای زیرزمینی ذخیره و استفاده شود.

متأسفانه، مدیریت حل مشکلات روزمره و صرف هزینه‌های هنگفت تنها برای التیام‌بخشی موقت به زخم‌های تازه مردم، جای سرمایه‌گذاری‌های به‌موقع و صحیح محافظتی را برای حل مسائل اساسی کشور گرفته است. در صورتی‌که سرمایه‌گذاری‌های محافظتی، به‌منظور محافظت از سرمایه‌های مولد، یک‌بار هزینه، برای همیشه تاریخ خواهد بود و ما را از پرداخت هزینه‌های مستمر و دائمی و درعین حال مسکن و با اثربخشی بسیار موقت باز می‌دارد. به همین دلیل رسالت این مؤسسه و پژوهشکده آبخیزداری و حفاظت خاک و نیز سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور، شناساندن و معرفی علمی سرمایه‌های محافظ به جامعه و به‌ویژه مسئولان، سیاست‌مداران، برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران کشور و نیز تبیین اهمیت حیاتی آن برای توسعه پایدار کشور و لزوم اختصاص اعتبارات کافی به این امر ملی از محل منابع مالی دولتی است. بدیهی است اگر این چرخه معیوب (یعنی منتظر سوانح نشستن و صرف همه منابع، برای رفع مشکلات موقت مردم، در پی بروز سوانح و بلایای طبیعی) جای خود را به سرمایه‌گذاری‌های کارشناسانه و دقیق محافظتی (که می‌تواند به‌عنوان یکی از اصول و مصادیق پدافند غیرعامل ایفای نقش کند) ندهد، متأسفانه باید پذیرفت که مردم منطقه هرگز از تله فقری که در آن گرفتار شده‌اند، نجات نخواهند یافت.